

مواظب چینش آرزوها در دنیا باشیم تا در آخرت حسرت نخوریم

آرزوها باید به تناسب ساختار زندگی انسان و مدت حیات ابدی اش تنظیم شود. چون انسان موجودی ابدی است و زندگی او پایان ندارد، حتی با مرگ.

تنظیم آرزوها مراتب و مراحل دارد و باید طوری تنظیم شوند که انسان، هم در دنیا زندگی شاد و آرامی داشته باشد و هم اگر لحظه‌ی وفات و انتقال ما به برزخ رسید، نسبت به آرزوهای آخرتی‌مان دچار حسرت نباشیم. یعنی آرزو نکنیم که ای کاش به دنیا برگردیم. برای همین است که همه ما اعم از مومن و کافر، بعد از مردن می‌گوییم: «رب ارجعون = خدایا ما را برگردان».

تنظیم و چینش بین آرزوهای آخرتی و دنیایی به شناخت و قیمت آرزوها بستگی دارد. نکته خیلی مهم این است که اگر کسی موفق شود مهندسی و چینش آرزوهایش را درست و خدا پسند انجام دهد؛ یعنی بین آرزوهای دنیایی و آخرتی اش تناسب ایجاد کند تا با هم تضاد نداشته باشند؛ رسیدن به آرزوهای دنیایی و پیشرفت در این آرزوها دو اثر برای او در پی خواهد داشت. (۱) حتماً به آرامش نزدیک‌تر می‌شود. (۲) رسیدن به همان آرزوهای دنیایی برایش عبادت محسوب می‌شود. چون با آخرتش تضاد ندارد. در غیر این صورت صورت، نه به آرامش می‌رسد و نه آرزوهای دنیایی اش عبادت محسوب می‌شود.

مثلاً کسی که تلاش می‌کند ازدواج کند و زندگی موفق داشته باشد، یعنی در روابط زناشویی و تربیت فرزند موفق باشد، مسکن‌گزینی می‌کند، تفریح می‌کند، کار می‌کند، اگر همه اینها در راستا و هماهنگی با آرزوهای آخرتی اش تنظیم شده باشند، اولاً برای انسان نشاط می‌آورند و ثانیاً ثواب عبادت هم دارند، هرچند که لذت‌های دنیایی باشد. از آثار آرزوها می‌توان فهمید که با آخرت تنظیم شده‌اند یا خیر. اگر با آخرت تنظیم نشده باشند، یعنی صرفاً دنیایی باشند، حتماً تشنج، اضطراب، غم و افسردگی به همراه دارند.

خداوند چون ساختار نفس و دنیا و آخرت را براساس فرمولهای ریاضی خلق کرده، به ما دستور داده که دنیا و آخرت را با هم تنظیم کنیم. از این رو می‌فرماید: هر کس به سمت آخرت و خدا نگاه کند، دنیا به سمتش می‌دود و هر کس به خدا و آخرت پشت کند، دنیا با او قهر می‌کند. دنیا رفیق و دوست کسی است که با خدا رفیق است. در این خصوص خداوند در حدیث قدسی فرمود: و اوحینا الی الدنیا ان اخدمنی من خدمنی و اتعبنی من خدمک = ما به دنیا وحی کردیم

که ای دنیا! خدمت کن به کسی که به من (خدا) خدمت می کند؛ و به رنج و تعب بینداز کسی را که به تو خدمت می کند».

یعنی کسی زندگی اش را در مسیر اهداف الیه تنظیم می کند، در کلیه تلاش هایش در ۴ مرحله ی «انتخاب ها، ارتباطات، افکار و رفتارها» همیشه اصالت را به آخرت می دهد و در نتیجه در دنیا نیز همیشه موفق تر از دیگران است.

یاد آوری کنیم که رابطه دنیا و آخرت مثل رابطه رحم مادر با دنیاست. دکتر با دیدن سونوگرافی یک جنین می فهمد که جنین وضعیت خوبی دارد یا خیر و آیا تولد سالمی خواهد داشت یا نه. جنینی که در رحم، هیچ مشکلی از نظر تنفس، ضربان قلب، قد، رشد دستگاه های حیاتی بدن ندارد، پس حتماً دنیای خوبی هم خواهد داشت. چون رحم و دنیا کاملاً به هم مربوطند. هیچ وقت دکتر نمی گوید: بچه شما الان در رحم جانش در خطر است، وضعیت خراب است و یا دچار عفونت شده است، اما تولد سالم و خوبی خواهد داشت. بلکه برعکس؛ اگر بچه در رحم دچار عفونت هست، پس دنیای پر مخاطره ای بعد از تولد در انتظارش است.

خدا مرحوم خواجه عبدالله انصاری را رحمت کند. می گوید: خدایا همه می گویند: ما را عاقبت بخیر کن؛ ولی من می گویم: اولمان را ختم به خیر کن. چون کسی که اولش به خیر است، آخرش هم به خیر خواهد شد. اما کسی که عرضه ندارد در دنیا شاد زندگی کند، آدمی غمگین، حساس، زودرنج و پرخاشگر می شود و فشار قبر زیادی دارد. بنابراین آخرت و ابدیت بدی هم خواهد داشت. کسی که دچار عصبانیت در دنیا هست، آخرت هم همین گونه است. اساساً فرمول این گونه طراحی شده است: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد بود». بنابراین، ما از وضعیت جنین در رحم می فهمیم که چه تولدی خواهد داشت و در دنیا چه اتفاقی برایش خواهد آمد. پس وضعیت تولد ما به برزخ هم از همین دنیا معلوم می شود که آیا ما در بحث مهندسی آرزوها توفیقی داشته ایم یا نه. آیا توانسته ایم حیات ابدی خود را درست مهندسی کنیم یا نه.

برای انتخاب و چینش آرزوها باید با خدا همراه شویم

دنیا رام خداست. خداوند مالک و صاحب دنیاست. وقتی به دنبال آرزویی می‌رویم و آن را در برنامه زندگی مان قرار می‌دهیم، باید رضایت و اجازه ی صاحب و مالک آن را داشته باشیم.

این که قرآن می‌فرماید: همه آسمان‌ها و زمین گفتند: «... قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»<sup>۲</sup> آن دو گفتند فرمان‌پذیر آمدیم». ما مطیع و تسلیم تو هستیم. این اینجا می‌فهمیم که برای به دست آوردن دنیایی که تسلیم خداست، باید اول از صاحبش اجازه بگیریم. وقتی با خدا سراغ دنیا و هر کدام از نعمت های دنیا می‌رویم، دنیا به کامت می‌شود. اگر بخواهی بدون خدا و بدون اجازه او سراغ ملک خدا بروی، قهر می‌کند و توی ذوقت می‌زند. همان طور که در حدیث هست، انسان را می‌دواند، خسته می‌کند و در آخر کار، ناکام می‌کشد.

در سوره مبارکه ناس می‌خوانیم: «مَلِكِ النَّاسِ»، «مَلِكِ» یعنی پادشاه و همه کاره عالم. وقتی شما از یک کشور می‌خواهید به کشور دیگری بروید، باید آن کشور به شما ویزا بدهد تا اجازه ورود به آنجا را داشته باشید و در ویزا مشخص می‌کنند چند روز یا چند ماه می‌توانید در آن کشور اقامت داشته باشید. ولی وقتی شما پادشاه را می‌بینی و با او رفیق می‌شوی، او هم به تو اقامت می‌دهد، می‌گوید هر وقت دلت خواست بیا و برو.

اما وقتی بدون اذن خدا سراغ دنیا بروی و برای خودت آرزوهایی داشته باشی، یعنی آرزوهایی که اذن خدا در آنها نباشد، دنیا با شما همراهی نمی‌کند. وقتی قرآن می‌فرماید: «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»، یعنی دنیا از خدا دستور می‌گیرد. از ما دستور نمی‌گیرد. وقتی بخواهید دنیا به کامتان باشد و از کوچک تا بزرگش و از ذره ذره ی دنیا بخواهید لذت ببرید، همه چیز باید به اذن خدا باشد. هر چیزی که در دنیا هست، وقتی با خدا سراغش می‌روید، لذت می‌شود. مثلاً اگر کسی حواسش باشد که آب به این زیبایی و قشنگی را خدا داده، یعنی همراه آب خدا را دید و آب را مستقل ندید، شکر آن را به جا می‌آورد. یا وقتی به گل نگاه می‌کنید و آن را مستقل از خدا نمی‌بینید و می‌گویید این گل را خدا به افتخار من خلق کرده، پس با لذت نگاهش می‌کنید و الحمدلله می‌گویید یا یک صلوات می‌فرستید. این کارها باعث می‌شود که خدا خیلی از راه‌ها را روی آدم باز کند. در نتیجه در چیش آرزوها هم خدا را در نظر می‌گیرید، در این صورت انسان کور نمی‌ماند و با نگاه عادتی به دنیا نگاه نمی‌کند و همه دنیا با او سازگار و رفیق می‌شوند و او هم از

دنیا لذت می‌برد و کم کم آماده می‌شود تا از بهشت هم لذت ببرد، زیرا کسی که از دنیا لذت نبرد، هرگز از بهشت هم لذت نمی‌برد.

هر چیزی یک سری معایب و محاسن دارد. وقتی که با خدا به چینش آرزوها می‌روید، در هر چیزی فقط عیب‌ها را نمی‌بینید، بلکه خوبیهای آن چیز را هم می‌بینید. وقتی پیغمبر مامور شد دو نفر از کفار را بکشد. جبرئیل علیه‌السلام آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله آن یکی را نکش، زیرا خدا فرموده، او با این‌که کافر است و جرم مرتکب شده و مستوجب قتل است، ولی چون اخلاق خوبی در خانه دارد، من از تقصیر و گناهش می‌گذرم.

آدم به زیبایی‌ها، حسن‌ها، آثار وجودی افراد نگاه کند. فقط عیب‌ها، بدی‌ها و نقص‌ها را نبیند. وقتی شما عادت کردید که فقط سراغ عیب‌ها بروید، در چینش آرزوها و مهندسی آرزوها شکست می‌خورید. کور بودن و ندیدن نظام آفرینش باعث می‌شود، نظام آرزوهای انسان به هم بریزد و او دائماً هوس‌های جدید داشته‌باشد و دائماً دلش بخواهد جایگزین کند.

سیستم عالم این است که تو باید با همه به صلح برسی. خوبی‌ها، قشنگی‌ها، فوائد، زیبایی‌ها، جنبه‌های الهی، محاسن را نگاه کنی. آن وقت است که انسان دست از خشونت برمی‌دارد. مهرورز می‌شود و کم کم اسم شریف «رحمان» در او تجلی می‌کند و نسبت به آدم‌های خوب اسم «رحیم» هم در او به ظهور می‌رسد. نسبت به همه انسانها و اشیاء رحمان و نسبت به مؤمنین و خواص رحیم می‌شود.

چینش آرزوها با اذن و رضایت خداوند محبوبیت نزد خدا را در پی دارد

کسی که همراه با خدا سراغ دنیا و آرزوها می‌رود و دنیا را مستقل از خدا نمی‌بیند و به همه محبت می‌کند، این شخص محبوب خدا می‌شود.

خداوند در حدیث معراج مهمترین چیزهایی که برای سعادت ابدی انسان نیاز است را به پیامبر می‌فرماید. یکی از آنها

این است: «کسی که به خاطر من دیگران را دوست بدارد و به خاطر من و نگاه من به انسانها نگاه کند، محبت من بر

این شخص واجب است». یعنی انسان محبوب خدا واقع می‌شود.

چه کسی این را می‌فهمد؟ کسی که قاعده عشق و محبت را می‌فهمد، این قاعده را نیز درک می‌کند. یعنی کسی که بالغ

شده‌باشد و بفهمد عشق یعنی چه؟ آدمی که بالغ نیست، مثل کودک ۵ ساله‌ای است که عشق و عاشقی را نمی‌فهمد. ما

در نظام طبیعی بالغ می‌شویم، برای همین عشق و عاشقی را درک می‌کنیم. ولی در نظام فطری اصلاً بالغ نیستیم. بلوغ فطری نداریم. بلوغ فطری خیلی مهمتر از بلوغ طبیعی و جنسی است و همه آدم‌ها به این بلوغ نمی‌رسند. بسیاری افراد ۶۰- ۷۰- ۸۰ سال‌شان می‌شود، ولی نابالغ و ناکام می‌میرند. فقط یک عده معدودی بالغ و عاشق می‌شوند و به کام می‌رسند. خداوند در این قسمت از حدیث معراج، برای بالغین حرف می‌زند و می‌گوید اگر شما عرضه داشته باشید و آدم‌ها و اشیا و امور را به خاطر من دوست داشته باشید، محبوب من می‌شوید.

بعضی‌ها می‌گویند: می‌خواهم خدا دوستم نداشته باشد، دوست داشتن خدا برای من چه سودی دارد؟ شوهرم دوستم دارد، بس است. زنم دوستم دارد، بس است. من معروف و مشهور هستم، بس است و ... خیلی بی‌لیاقتی است که انسان بلد نباشد مسیر را درست راه برود و هر وقت به او بگویند: این کار گناه و حرام است، درست همان کار بد را انجام دهد. این کار را خدا دوست ندارد، این نوع حجاب، مجلس، رفتار با همسر، رفتار با فرزند، این معامله را خدا دوست ندارد. برای همین خداوند با زبان آدمیزاد با ما حرف می‌زند و می‌گوید: «ان الله يحب = خدا دوست دارد» و «ان الله لا يحب = خدا دوست ندارد». خدا همیشه با محبت حرف می‌زند. پس اگر به سمت چپش آرزوها با احترام به پادشاه عالم و محبت به مخلوقاتش حرکت کردیم، موفقیت ما حتمی است. چپش درست آرزوها هم عبادت است و هم آرامش می‌آورد.

شیطان با سلاح آرزو بر قلب غافلین حمله می‌کند

شیطان ۴ نوع حمله دارد، «حمله راست، چپ، پشت سر و جلو». هر کدام از این حملات را با حربه‌هایی انجام می‌دهد. یکی از این حربه‌ها آرزو است، شیطان آرزوهای فراوان و نادرست و غیر الهی را به انسان القا می‌کند. این حمله‌ی شیطان از جلو است.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: «الْأَمْلُ سُلْطَانُ الشَّيَاطِينِ عَلَى قُلُوبِ الْغَافِلِينَ»<sup>۳</sup> = آرزو، مایه چیرگی شیطانها بر دل غافلان است. یا «مایه‌ی سلطنت و تسلط شیاطین بر قلوب غافلین است».

شیطان در حمله‌ی راست، دائماً با چندتا صورت مقدس سر آدم را گرم می‌کند و انسان فکر می‌کند، خیلی آدم خوبی شده است. شیطان در این حمله، اصلاً به انسان پیشنهاد گناه نمی‌دهد، بلکه هر وقت آدم خودش را ارزیابی می‌کند،

<sup>۳</sup> - غرر الحکم : ۱۸۲۸.

می‌گوید: من آدم بدجنسی نیستم؛ حسود نیستم؛ هیز و دزد نیستم. شیطان سفارش گناه و کارهای کثیف و خراب را نمی‌دهد.

اما وقتی در حمله راست موفق نشد، از جلو و با آرزوهای زیاد حمله می‌کند. در حمله جلو، یکسره به انسان آرزو نشان می‌دهد، یکسره به جلو می‌کشانند و آرزوهای جدید و جدیدتر پیشنهاد می‌کند تا جایی که انسان نظام ابدی را فراموش می‌کند و دائماً به این فکر است که یکسال بعد چه می‌شود؟ آینده همسر و فرزند و ... چی می‌شود؟ چه اتفاقی می‌افتد؟ همینطور پیش می‌رود، بدون این که حواسش باشد که به کجا دارد نزدیک می‌شود. به همین ترتیب که شیطان او را به جلو می‌کشانند، یک دفعه گودال مرگ دهان باز می‌کند و او را می‌بلعد. کسی که این همه هوس و آرزو دارد غافل نیست؛ از خودش و از دنیایش غافل نیست. چون هوس دارد و آرزو دارد که به خیلی چیزها برسد، هوشیار است، چشم دارد، گوش دارد، هوش دارد، می‌فهمد؛ پس چرا حضرت به او غافل می‌گوید؟ برای این که او غافل از ابدیت، عمر و جوانی، شب اول قبر و ۵۰ سوال روز قیامت است.

حدود ۳۰ درصد از مردم در حالی که غرق در آرزو هستند، داخل قبر می‌شوند. مثلاً داخل اتومبیل هستند، بعد جنازه‌شان را در می‌آورند و وارد قبر می‌کنند. پشت فرمان هزارتا چرتکه برای ۱۰ یا ۲۰ سال آینده‌اش می‌انداخته، بی‌خبر از این که چند لحظه بعد، وارد قبر می‌شود.

زمام آرزوها باید همیشه به دست انسان و به فرمان او باشد

زمام آرزوها باید همانند فرمان اتومبیل به دست انسان باشد. یعنی هر آرزویی نکند؛ هر انتخابی نکند؛ هر ارتباطی را برقرار نکند؛ هر فکری به سرش راه نیابد. وقتی شما فرمان اتومبیل را در جاده نگه می‌دارید، این نگه داشتن فرمان شما را در جاده به سمت هدف می‌برد و از خطرهای نجات می‌دهد.

اگر افسار آرزوها در دست انسان نباشد، انسان کور خواهد شد، از این رو امیر کلام علی (علیه السلام) فرمود: «الْأَمَانِيُّ تَعْمَى عِيُونَ الْبَصَائِرِ» آرزوها، چشمان بصیرت را کور می‌کنند. فقط معصوم است که می‌تواند این گونه حرف بزند.

طبق فرموده‌ی قرآن: «... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا»<sup>۵</sup> دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند». چشم دارند ولی نمی‌توانند ببینند. اندازه‌ها، قیمت‌ها و مصلحت‌ها و خوب و بد‌ها را نمی‌فهمند. افراد زیادی داریم که مخ اقتصادی بودند، ولی الان در زندان به سر می‌برند. برای این‌که عقل یا تخصص نداشتند، چینش نادرست آرزوها آنها را کور کرد و نگذاشت درست ببینند. در مسائل اقتصادی طوری حرکت کردند که منجر به شکست‌شان شد. هوس و آرزو اینگونه است، انسان را غافل می‌کند.

آدم موفق آرزوهایش را کنترل کرده و هر آرزویی را که سرعت و نشاط و قدرت او را به سمت ابدیت کم کند، یا انس و صمیمت او را نسبت به خدا کاهش دهد، کنار می‌گذارد.

با فریب دادن آرزوها، آنها را تحت فرمان خود بگیرید

یکی از راه‌های تحت فرمان گرفتن آرزوها این است که انسان باید هوس‌هایش را تکذیب کند و به جای این که آرزوها او را فریب دهند، انسان آرزوها و هوس‌هایش را فریب دهد.

آرزوها با دروغ و فریب انسان را از ابدیت غافل می‌کنند، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «الأملُ أبداً في تكذيبٍ = آرزو، همواره دروغ می‌گوید».

معصوم (علیه‌السلام) در باب عبادت و فرمول‌های عبادی می‌فرماید: نفس‌تان را در عبادت فریب بدهید. این قاعده‌ی خیلی مهمی است. نفس می‌خواهد به شما تنبلی، تن پروری، کسالت و ... را تحمیل کند، شما هم او را گول بزنید و فریب بدهید.

مثلاً بعد از خواندن نماز صبح، نفس می‌گوید: نمازت را که خواندی، برو زودتر بخواب. به تو اجازه نمی‌دهد که تعقیبات و دعا و زیارت روز را بخوانی. در حالی که این دعاها و ذکرها ثروت‌های آدم در طول روز هستند و به زندگی آدم رونق و شادابی می‌دهند. در طول روز گرفتاری‌ها را حل کرده موانع را برمی‌دارند. نفس به تو می‌گوید: خسته‌ای، برو بخواب. خواندن ۵۰ آیه قرآن را رها کن. معصوم علیه‌السلام می‌فرماید: نفست را فریب بده. اگر خوابت می‌آید برو

۵- اعراف/۱۷۹.

۶- غرر الحکم: ۲۰۱۷.

یکبار دیگر وضو بگیر. اگر خسته و کسل هستی، بایست چند حرکت ورزشی انجام بده. با این کارها نفست گول می خورد و خواب آلودگی ات برطرف می شود.

خدا رحمت کند آقا میرزا علی آقای قاضی را می گفت: نماز شب که می خوانید، یکسره پشت سر هم نخوانید، بلکه بین رکعات میوه یا چای بخورید. هر وقت خواستید کار خیری بکنید تا دیدی نفس به تو گفت: نمی شود؛ نکن؛ خودت گرفتار هستی؛ خودت بدبخت می شوی، و ... فرییش بده. پیامبر دو رکعت نماز می خواند، برای دو رکعت بعدی قدری می خوابید، دوباره بلند می شد و دو رکعت بعدی را می خواند.

باید یاد بگیریم، آرزوهایمان را هم فریب بدهیم. اگر گفت: فلان چیز را می خواهم، بگو، حتماً برایت می خرم. به همین روش معطلش کن. وقتی نفست را در آرزوها فریب می دهی، دفعه بعد به راحتی هوس چیزی نمی کند و دائماً برایت تولید نیاز نمی کند.